

## شهرگردی



کنگان / یوشهر

الهام بهروزی

عکس‌ها:

امین رحمانی

هر رهگذری را می‌دزدد. این قلعه زیبا اکنون در حال مرمت است. سربالایی کوچه‌ای را که به قلعه می‌رسد به سختی در زیر نور آفتاب پاییزی طی می‌کنیم. کمی احساس گرما می‌کنم. در حیاط اول قلعه نفسی چاق و بارئیس کارگاه مرمت قلعه صحبت می‌کنیم تا به ما اجازه ورود به آن را بدهد. سرانجام با رایزنی محمد کنگانی به حیاط دوم که اندرونی یا حرمسرا به شمار می‌رود، وارد می‌شویم.

به ایوان بلندی با ستون‌هایی که به طاق‌های دالبری ختم می‌شود خیره می‌شوم. رنگ سپید دیوارها، حس خستگی را از وجودم می‌زداید. تعدادی کارگر مشغول کار هستند. به سمت اتاقی می‌رویم که بادگیر بزرگی بر فراز آن قرار گرفته است. این قلعه تنها بنای دارای بادگیر استان یوشهر است که این بادگیر در تابستان‌های داغ حکم کولر بزرگی را برای خنک شدن سایر بخش‌های این بنای باشکوه دارد.

آن طور که کنگانی می‌گوید: «قلعه نصوری را پدر بزرگ شیخ ناصر نصوری (یکی از مالکان این بندر) بنا کرده و مربوط به اوایل دوره قاجار به است. این قلعه مانند بناهای دیگر عهد قاجار دو حیاط اندرونی و بیرونی دارد و یک شاه‌نشین بالای همه اتاق‌ها قرار گرفته است. چهار ستون زیبای سنگی و گچبری‌های داخلی ایوان غربی حیاط بیرونی این قلعه دارای ارزش تاریخی و هنری است. این ایوان فقط یک راه به پشت‌بام دارد. گچبری‌های این عمارت که با هنر دستان استاد علی اصغر شیرازی و به امر شیخ جبار جد شیخ ناصر نصوری در حدود ۱۷۰ و اندی سال پیش انجام گرفته است، غالباً نقش درختان، شاخ و برگ و گلدان‌های زیبا و فرشتگان را در کنار هم نشان می‌دهد. فرشتگان زیادی با نقش پرندگانی چون هدهد، طوطی و طاووس همراه با خطوط هندسی تزئینی در این اثر هنری پدید آمده است. گذشته از گچبری‌های تزئینی ۱۸ تابلو بسیار زیبا و پرمعنی از بهترین مجالس شاهنامه فردوسی را برگزیده و در این ایوان با گچبری‌های جالب و به طرز شیوا و گویایی جلوه‌گر ساخته است». فضای قلعه به خاطر کارهای مرمت چندان مناسب نیست که بیشتر در آن بمانیم. این قلعه قرار است به زودی به عنوان مجتمع تفریحی-اقامتی فعالیت خود را آغاز کند.

### ● ماشویه‌ای زیر سایه لیل

با محمد کنگانی که مدیریت مؤسسه گردشگری سیراف پارس موزه را عهده‌دار است، به سمت موزه سیراف پارس می‌رویم که بخش مهمی از تاریخ سیراف را

وجود دارد که هنوز هم آب دارند ولی از ۱۲ سال پیش به دلیل انتقال آب از سد کوثر به سیراف، دیگر بدون استفاده مانده‌اند. این چاه‌ها بیش از ۲ هزار سال قدمت دارند و البته برخی هم قدمت آن‌ها را حدود ۷ هزار سال می‌دانند. آب این چاه‌ها شیرین است و این عجیب است که در کنار دریا چنین آب گوارایی از دل صخره‌های سخت بیرون بیاید».

تا پیش از اینکه هوا گرم شود، از طریق مسیر پلکانی که ایجاد شده به سمت چاه‌ها و حوضچه‌های آبی می‌رویم. برخی از این چاه‌ها چنان عمیق است که حتی از نگاه کردن به آن‌ها واهمه دارم اما با همه این ترس‌ها، ناخودآگاه ذهنم به خردورزی و آینده‌نگری مردمان آن روزگار سیراف کشیده می‌شود که چگونه بحران آب را در منطقه خود مدیریت کرده‌اند و درک این مسئله موجب می‌شود که ناخودآگاه احساس غرور کنم و حسم را به کنگانی می‌گویم. می‌بینم لبخندی از رضایت بر لبش می‌نشیند و خیلی آرام و شمرده می‌گوید: «هر بار کم می‌آورم، به این دره می‌آیم تا به خودم بیایم و ریشه‌هایم را گم نکنم».

### ● قبری برای سیبویه حکیم

از سازه‌های دستکند آبی و چاه‌ها فاصله می‌گیریم و از دور به آتشکده که در قسمت جنوبی دره بر فراز کوه قرار دارد، نگاه می‌کنم، سپس به سمت دیگر دره می‌رویم تا استودان‌ها یا گوردخمه‌هایی را ببینم که زرتشتیان در جداره دره برای دفن مرده‌های خود حفر کرده بودند. در این گوردخمه‌ها استخوان‌هایی دیده می‌شود و البته این منظره چندان خوشایندی برای تماشا نیست. از آنجا دور می‌شویم. در مسیر به اتاقکی در قبرستان جدیدتر جزیره نزدیک می‌شویم. کنگانی می‌گوید: «این قبر را منسوب به «سیبویه» می‌دانند؛ یعنی همان کسی که به همراه «ابوسعید سیرافی» صرف و نحو عربی را به نگارش درآورده و اثرش همچنان در دانشگاه‌های معتبر تدریس می‌شود ولی تا آنجا که من بررسی کردم، این قبر سیبویه نمی‌تواند باشد چون پیکرش در شیراز دفن شده و محلی‌ها معتقدند این گور متعلق به شیخی به نام «ثوبین» است».

### ● فرشتگان قلعه نصوری

عزم رفتن از دره می‌کنیم تا پیش از رسیدن ظهر از قلعه نصوری هم بازدید کنیم. قلعه‌ای که کم‌نظیر است و بر بالای یک تپه روبه‌روی خلیج فارس نگاه

